

بازجستی در فرهنگ کار و تجلیل از مقام کارگر در آموزه‌های دینی

علی محمدیان *

الهه قلی‌زاده **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۵/۴

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۸/۳

چکیده

کار یکی از زیربنایی‌ترین ابعاد زندگی انسانی است زیرا جوهرهٔ درونی افراد را مشخص می‌کند و استعداد‌های بالقوهٔ ایشان را به منصبهٔ ظهور می‌رساند و از این رهگذر می‌توان به وجود جامعه‌ای پویا و پر نشاط امیدوار بود. مکاتب گوناگون بشری دیدگاه‌های مختلفی دربارهٔ کار داشته‌اند، اما در این میان دیدگاه مکتب اسلام به این نهاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در فرهنگ غنی اسلامی کار بخشی از سلوک الهی تلقی شده و همواره مورد تأکید پیامبر اسلام (ص) و ائمهٔ اطهار (علیهم‌السلام) قرار گرفته است.

مقاله حاضر به دنبال ریشه‌یابی فرهنگ پاسداشت جایگاه کار و مقام کارگر در متون و نصوص اسلامی و روایی است و در این بین از آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نیز وام گرفته شده است زیرا هر دو به‌عنوان اسلام‌شناس و فقیهی حاذق که عملاً رهبری جامعهٔ اسلامی را برعهده داشته‌اند، در شناخت فرهنگ کار و رویکرد حکومت اسلامی به آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند.

واژه‌گان کلیدی: کار، کارگر، اسلام، فرهنگ کار.

طرح مسئله

اگرچه بعید به نظر می‌رسد که در طول تاریخ بشر، هیچ مکتب و آیینی که دارای ریشه الهی بوده یا بر پایه فکری سلیم تشکیل شده باشد، به نوعی تشویق به کار و کوشش نکرده و یا اینکه از بی‌کاری و تن‌پروری تمجید کرده باشد؛ لیکن با اندک تأمل و تعمق در تشویق و ترغیب‌هایی که آیین اسلام نسبت به کوشش و کار به عمل آورده و ستایش‌هایی که از آن کرده است و همچنین انتقادات و حتی مبارزاتی که علیه بی‌کاری و تن‌پروری در متون اسلامی دیده می‌شود، این واقعیت اثبات می‌شود که ارزش و تقدس کار و کوشش در هیچ مکتب و آیینی به پایه مکتب توحیدی اسلام نمی‌رسد.

البته باید اذعان کرد برخلاف دیدگاه رایج و مرسوم در غرب که دیدگاهی مادی بوده و کارگر را فقط یک ابزار می‌داند، اسلام کارگر را مجاهد فی سبیل الله می‌داند و برای کار و تلاش او علاوه بر ارزش مادی، پاداش الهی نیز قائل است و از آنجایی که شکوفایی اقتصاد از اهداف مهم اسلام به‌شمار می‌رود و نیروی کار، یکی از ارکان اصلی تولید است، در دین اسلام به کارفرمایان و صاحبان کار، درباره حفظ و رعایت حقوق کارگران سفارش فراوانی شده است. کارگر در دیدگاه اسلام بسیار محترم و ارزشمند است، به طوری که رسول گرامی اسلام و امامان معصوم (علیهم‌السلام) از کار و کارگر تجلیل کرده و خود نیز کار می‌کرده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۶؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۵۶). نوشتار حاضر با استقصایی تام و فراگیر در متون و منابع طراز اول اسلامی در پی برشمردن مؤلفه‌های کار و فرهنگ تجلیل از مقام کارگر در آموزه‌های اصیل اسلامی و مکتب اهل بیت است.

در ابتدا شایسته است به تبیین لغوی واژه «کار» پرداخته و مقصود از این واژه تبیین شود و در ادامه با تمرکز بر شاخصه‌های فرهنگ کار بحث مورد نظر در پیش گرفته شود.

ضرورت بحث

در ضرورت جستار حاضر همین بس که دانسته شود امروزه یکی از اساسی‌ترین بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی یک جامعه کارگران می‌باشند زیرا کار یک کارگر به گردش چرخ‌های توسعه یک ملت کمک شایانی می‌کند و با مطالعه و بررسی پیرامون علل ترقی و انحطاط ملت‌ها درمی‌یابیم کار کارگران تأثیر بسزایی در پیشرفت و عمران کشورها ایفا می‌کند، از این رو



باید با تتبعی فراگیر موضع مکتب مترقی اسلام نسبت به این مسئله مشخص گردد و با دقت نظر در آثار رهبران بصیر و آگاه به عنصر زمان و مکان انقلاب اسلامی، نقش فرهنگ کار در برون‌رفت جامعه از انحطاط و سقوط در دام استعمارگران تبیین شود.

مفهوم‌شناسی واژه «کار»

کار در لغت به معنای فعل، عمل و کردار است (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۲۸: ۲۵۸). در فرهنگ معین نیز کار به آنچه از شخصی یا شیئی صادر شود، آنچه که انجام شود، فعل، عمل، پیشه، شغل، سعی و جهد، کشت، زراعت و... تعریف شده است (معین، ۱۳۷۵، ج ۵: ۵۴۱).

راغب اصفهانی در مفردات و ابن فارس در معجم مقائیس اللغه در تعریف واژه عمل که معادل مفهوم کار در زبان فارسی است می‌نویسند: «هر فعلی که انسان از روی قصد انجام می‌دهد عمل نامیده می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۴۵). البته از نظر راغب و برخی دیگر از لغت‌دانان مفهوم «عمل» از مفهوم «فعل» خاص‌تر است زیرا «فعل» در مورد جمادات و نباتات نیز به کار می‌رود، اما «عمل» عمدتاً در مورد موجودات زنده به کار می‌رود: «العمل أخص من الفعل؛ لأن الفعل قد ينسب إلى الجمادات» (راغب اصفهانی، همان؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۵۲۱؛ عبدالرحمان، ۱۴۱۸، ج ۲: ۵۴۳).

این دیدگاه تأیید برخی از فقها را نیز در پی داشته است (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۳: ۲۰۷؛ علوی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۹).

تعریف برخی جامعه‌شناسان از کار عبارت است از: «مجموعه عملیاتی که انسان با مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین‌ها برای استفاده عملی از ماده و با هدف کسب درآمد انجام می‌دهد» (میک، ۱۳۵۸: ۲۲).

البته باید اذعان کرد کار در اسلام تعریف گسترده‌تری دارد و معانی بالاتری به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر اگرچه کار مبنای استحقاق درآمد و عامل تولید است، اما با دیگر عوامل تولید متفاوت است و عوامل دیگر در خدمت آن هستند. در نظام ارزشی اسلام در واقع همه ثروت‌ها برای انسان خلق شده و کار در خدمت عوامل دیگر تولید قرار ندارد. در نظام سرمایه‌داری نیروی کار در خدمت سرمایه و ابزار تولید است. تفاوت اصلی دیدگاه اسلامی با سوسیالیستی اصالت دادن به انسان است. در اسلام کار منشأ مالکیت است و همه ابزارها در خدمت نیروی کارند.

اهمیت کار و شأن کارگر در آموزه‌های اسلام

همان‌گونه که بیان شد، اسلام ضمن آنکه قوانین و دستورالعمل‌هایی برای تأمین و برقراری تعادل همه‌جانبه در زندگی مردم آورده، اهمیت فراوانی نیز برای مسئله کار و کوشش قائل شده است. اسلام هیچ‌گاه مانند بعضی از مذاهب تحریف شده مردم را به تن‌پروری و بیکاری وادار نکرده، بلکه معتقد است که باید هر فرد در زندگی شروع به کار و فعالیت کند. در اینجا با شواهدی از آیات و روایات این مطلب را اثبات خواهیم کرد.

۱. آیات قرآن کریم

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که انسان‌ها را به کار و عمل تشویق کرده و به آنها توصیه می‌کند که برای کسب روزی حلال به کار بپردازند. انسان‌های مسلمان و مؤمن، آیات قرآن و کلام خدا را محکم‌ترین کلام و یقینی‌ترین دلیل و سند برای رشد و تعالی خود و جامعه تلقی می‌کنند و آن را بی‌هیچ چون و چرایی قبول و بدان عمل می‌کنند. در قرآن کریم به موضوعات بسیاری برای هدایت، رشد، تعالی و تکامل بشر اشاره شده است؛ از جمله موضوع کار و اهمیت تلاش مضاعف در دین مبین اسلام.

قرآن کریم در طول تاریخ اسلام به جهانیان اعلام کرده است که برای آدمی جز آنچه خود انجام داده نخواهد بود؛ یعنی بقای وجود و هستی آدمی بودن او، حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی او، شخصیت و هویت او؛ و بلکه همه چیز او منوط و وابسته به کار و تلاش اوست و هرکس کوشش کند، فقط برای شخص خود کوشش کرده است و خداوند البته از تلاش آدمیان بی‌نیاز است. از این دسته آیات در قرآن بسیار است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

همچنین تعدادی از آیات قرآن کریم درباره مشاغل پیامبران است. باید گفت هرچند مسئولیت خطیر و اصلی همه پیامبران الهی، هدایت جوامع بشری بوده است و در این راه با استفاده از شیوه‌های تربیتی ممکن و تحمل رنج‌های طاقت‌فرسا به تعلیم انسان‌ها پرداخته و دلسوزانه وجود خویش را وقف انسانیت کرده‌اند، اما آنها برای اینکه سربار دیگران نباشند، خود به کار و فعالیت مشغول بوده‌اند تا هم معاش خویش را تأمین کنند و هم دیگران را در این مسیر تشویق به کار و تلاش کنند؛ به همین جهت قرآن کریم به مشاغل برخی از آنان اشاره می‌کند. براساس برخی از آیات از جمله آیه ۳۷ سوره هود،





آیه ۲۷ سوره قصص، آیه ۸۰ سوره انبیاء و آیات دیگر، شغل حضرت نوح (ع) نجاری، شغل حضرت شعیب (ع) شبانی و کارگری، شغل حضرت موسی (ع) شبانی و کارگری، شغل حضرت داود (ع) زره سازی و آهنگری، شغل حضرت آدم (ع) کشاورزی، شغل حضرت ابراهیم (ع) کشاورزی و دامداری، شغل حضرت ادریس (ع) خیاطی، حضرت یعقوب و ایوب (ع) کشاورزی و دامداری، شغل حضرت هود و صالح (ع) تجارت، شغل حضرت سلیمان (ع) حصیربافی و حکومت، شغل حضرت عیسی (ع) نجاری و حضرت محمد (ص) تجارت و شبانی بوده است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۳۳۳).

با توجه به آنچه گفته شد، انبیای الهی برای گذران زندگی و تأمین معیشت خویش هر کدام به شغلی اشتغال داشته‌اند و همچنان که گفته شد قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به کار و کوشش و سعی و تلاش توصیه و تشویق کرده است که در ذیل به سه نمونه از این آیات اشاره می‌شود:

الف) آیه ۱۰ سوره جمعه: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا روزی بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید.

براساس این آیه، در پی رزق و روزی رفتن و از فضل خدا روزی طلبیدن موجب رضایت پروردگار می‌شود و شخصی که برای امرار معاش خود و خانواده‌اش گام برمی‌دارد، علاوه بر نفع مادی، رضایت خداوند را نیز به دست می‌آورد.

مرحوم طالقانی در ذیل آیه مذکور می‌نویسد: «پیام آیه شریفه این است که مسلمانان اجتماع هفتگی نماز جمعه را باید با کار و کوشش در پهنای زمین پیوسته دارند» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۹۰).

ب) آیه ۳۹ سوره نجم: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

یکی از مصادیق «سعی» در این آیه، کار و کوشش مادی می‌باشد. خداوند با ذکر این جمله مزیت اشخاص را براساس کار و درجه فعالیت آنها استوار کرده و با همین عبارت کوتاه ارزش و موقعیت کار در اسلام را روشن ساخته است.

در تفسیر نمونه آمده است: «مختصر آشنایی با قرآن و احادیث اسلامی برای پی بردن به این حقیقت کافی است که اسلام پایه هرگونه بهره‌گیری مادی و معنوی



انسان را سعی و کوشش و تلاش می‌شمرد تا آنجا که در جمله شعارگونه قرآنی «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» بهره انسان را منحصرأ در کوشش و کارش قرار می‌دهد. پیشوایان اسلامی برای اینکه سرمشقی به دیگران بدهند در بسیاری از مواقع کار می‌کردند؛ کارهایی سخت و توان فرسا. پیامبران پیشین نیز از این قانون مستثنی نبودند؛ از چوپانی گرفته، تا خیاطی، و زره‌بافی و کشاورزی. اگر مفهوم تضمین روزی از طرف خدا، نشستن در خانه و انتظار رسیدن روزی باشد، نباید پیامبران و امامان که از همه آشناتر به مفاهیم دینی هستند این همه برای روزی تلاش کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۱).

ج) آیه‌های ۷۹ و ۸۰ سوره توبه: قرآن کریم در مقام ستایش از کار و تلاش در این آیات چنین می‌فرماید: «کسانی که مردم مؤمن را که در بذل صدقات گشاده‌دست هستند، نکوهش می‌کنند و کسانی که اشخاصی را که جز بازوانشان، یعنی جز کوشش و کارشان مالک نیستند، مسخره می‌کنند، خداوند آنها را استهزا می‌کند و به آنها عذاب دردناک خواهد چشاند و تو (ای پیامبر) چه برای آنها طلب مغفرت کنی و چه نکنی و اگر هفتاد بار هم برای آنان طلب آمرزش کنی، من آنها را نخواهم بخشید زیرا که آنها به خدا و رسولش کفر ورزیدند و خداوند فاسقان را هدایت نمی‌کند».

در این دو آیه یک نکته قابل تأمل و درعین حال تکان‌دهنده وجود دارد و آن اینکه خداوند آن دسته از انسان‌ها را که مردمان اهل کار و تلاش را مسخره می‌کنند هم‌ردیف کافران قرار می‌دهد، فاسق می‌نامد و از هدایت خویش بی‌بهره می‌کند. این خود سندی است محکم برای فهم میزان اهمیت کار و کوشش نزد خداوند.

۲. روایات

روش پیشوایان اسلام بهترین سرمشق و دستورالعمل برای پیروان آنهاست. وقتی به سیره پیامبر اسلام و امامان معصوم (علیهم السلام) رجوع می‌کنیم درمی‌یابیم که آنها با آنکه سراسر حیاتشان آمیخته با مبارزه و شکنجه بود، اما مسئله کار و داشتن حرفه‌های مخصوص در زندگی آنها جلب توجه می‌کند. اسلام با بی‌کاری و تن‌پروری شدیداً مبارزه می‌کند و آن را علت بسیاری از مفاسد و بدبختی‌ها می‌داند. رهبران اسلام از دو راه با این فاجعه خطرناک مبارزه کرده‌اند: اولاً اینکه خود با جدیت و علاقه بسیار و در شدیدترین حالات کار می‌کرده‌اند تا بدین‌وسیله به مردم بیاموزند که کار کردن نه تنها ننگ و عار

به‌شمار نمی‌رود، بلکه از بزرگ‌ترین افتخارات انسان است. ثانیاً در سخنان و پیام‌های خویش از کار و کوشش تمجید فراوان کرده‌اند. در اینجا به پاره‌ای از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است که خداوند به حضرت داود (ع) وحی کرد: «ای داود تو بنده خوبی هستی، اگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کردی و برای اداره زندگی دست به کار و کوشش می‌زدی!» حضرت در ادامه می‌فرماید: «پس از نزول وحی حضرت داود بدین جهت که تاکنون رفتارش مورد پسند خدا نبوده است سخت افسرده و ناراحت گردید و چهل روز گریه کرد تا اینکه خداوند آهن را برایش نرم گردانید. از آن پس حضرت داوود از آهن زره می‌بافت و دیگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۴؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۶۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳: ۵).

خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره سبأ نیز داستان حضرت داود را بیان داشته است که: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارُ لُهُ الْحَدِيدُ - أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرَ فِي السَّرِّ». ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم:) ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم. و به او گفتیم: زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

۲. در برخی کتب روایی شیعه حدیثی از امام جعفر صادق (ع) و در بعضی دیگر از قول پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که: «الْكَاذُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» کسی که برای امرار معاش زن و فرزند تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خدا است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۹۳: ۳۲۴).

۳. محمد بن منکدر نقل می‌کند که: «از مناطق اطراف مدینه عبور می‌کردم، درحالی که هوا به‌شدت گرم بود، در این حال امام محمدباقر (ع) را دیدم که مشغول کار و زراعت بودند، با خود گفتم باید بروم و او را موعظه کنم که چرا باید یکی از بزرگان قریش در این هوای گرم و با این شرایط برای دنیا خود را به زحمت طاقت‌فرسایی دچار کرده باشد؟ پس به محضر او رسیدم و سلام نموده گفتم: چه می‌کنید! اگر در این حالت مرگ شما فرا رسد؟ حضرت در جواب فرمودند: اگر در این موقع مرگ من فرا رسد بسی شادمانم که من در اطاعت و عبادت خدا هستم، که به‌وسیله کار و کوشش زندگی خود



و خانواده‌ام را اداره می‌کنم و به تو و دیگر مردم نیازی ندارم» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۱۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۲۵).

۴. علی بن عبدالعزیز نقل می‌کند که: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا فَعَلَ عَمْرٌ بْنُ مُسْلِمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَقْبَلَ عَلَى الْعِبَادَةِ وَتَرَكَ التَّجَارَةَ. فَقَالَ وَبِحَهُ! أَمَا عَلِمَ أَنَّ تَارِكَ الطَّلَبِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ! إِنْ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَمَّا نَزَلَتْ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» أَغْلَقُوا الْأَبْوَابَ وَأَقْبَلُوا عَلَى الْعِبَادَةِ وَقَالُوا: قَدْ كُنِينَا! فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ (ص) فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: مَا حَمَلَكُمْ عَلَى مَا صَنَعْتُمْ؟ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ تَكْفَلُ لَنَا بِأَرْزَاقِنَا فَأَقْبَلْنَا عَلَى الْعِبَادَةِ فَقَالَ: إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ».

«حضرت امام صادق (ع) از من سؤال کردند که محمد بن مسلم به چه کاری مشغول است؟ عرض کردم دست از تجارت برداشته و مشغول عبادت و تهجد گردیده است. امام با شنیدن این حرف (به خشم آمده) فرمودند: «وای به حالش! آیا نمی‌داند که عبادت و دعای کسی که دست از کار و کوشش بکشد پذیرفته نمی‌شود؟ و سپس حضرت اضافه نمودند: گروهی از اصحاب پیغمبر (ص) پس از نزول آیه «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» درهای خانه‌هایشان را به روی خود بسته و به عبادت پرداختند، این جریان به اطلاع پیامبر رسید، حضرت برای آنان پیغام فرستاد که چه باعث شده است که این روش را پیشه خود نموده‌اید؟ در جواب گفتند: بدین علت که خداوند کفالت رزق ما را کرده است، حضرت در پاسخ آنان فرمودند: کسی که بدین طریق عبادت نماید، عبادتش پذیرفته نمی‌شود، بر شما باد کوشش و تلاش» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۲۷؛ صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۹۲).

۵. امام باقر فرمودند: «مَنْ طَلَبَ [الرِّزْقَ فِي] الدُّنْيَا اسْتَعْفَاكَ عَنِ النَّاسِ وَتَوَسَّيْعًا عَلَى أَهْلِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ». کسی که در دنیا برای آنکه از مردم بی‌نیاز باشد و رفاه و آسایش خانواده‌اش را فراهم سازد و نسبت به همسایه‌اش لطف و احسان نماید، طلب روزی نماید، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که چهره‌اش مانند ماه شب چهارده درخشانده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۲۱؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۷).

۶. جمیل بن صالح نقل می‌کند که: «امام صادق (ع) را ملاقات نمودم درحالی که در زمینی کار می‌کردند و از شدت گرما پیوسته عرق می‌ریختند. عرض کردم فدایت شوم

بیل را به من بدهید تا این کار را انجام دهم، حضرت فرمودند: دوست دارم در طلب رزق و روزی، گرمای خورشید مرا آزار دهد و من اجر و پاداش ببرم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۹).

گونه‌های حمایت از فرهنگ کار و شأن کارگر در آموزه‌های اسلامی

در این قسمت با عنایت به اهمیت و ضرورت بحث، به بیان پاره‌ای از تمهیداتی که شرع برای حمایت از جایگاه و مقام کارگران در جامعه اسلامی در نظر گرفته است، به اختصار اشاره می‌شود.

۱. آزادی در انتخاب شغل: اصل آزادی انسان و رعایت اختیار و آزادی وی در انتخاب شغل، شیوه‌های تحمیل و اجبار و بیگاری را محکوم می‌کند. اسلام رضایت فرد را در روابط اقتصادی لازم می‌شمارد. سیره اهل بیت علیهم‌السلام با توجه به روایات و اخبار مأثوره پرهیز از بهره‌کشی و اجبار افراد به کاری معین بوده است (سبحانی، ۱۳۶۳: ۳۸۸؛ جرج جورداق، ۱۴۲۶، ج ۱: ۲۰۸؛ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۳۵۹). در حدیث معروف نبوی: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ أَشْيَاءَ الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ وَمَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ...» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۳۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ۳۹۴) نیز هرگونه عملی که مبتنی بر اکراه و اجبار باشد، فاقد اثر حقوقی دانسته شده است.

۲. دریافت مزد متناسب با کار: از دیدگاه فقه اسلامی بر صاحب کار واجب است دست‌مزد عادلانه‌ای به کارگر پرداخت نماید؛ اگرچه کارگر به جهت اضطرار و یا جهل به ارزش کار خود، به دست‌مزدی پایین‌تر از ارزش عادلانه کارش راضی باشد (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴: ۳۳۸؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۵۷۵). این حکم مفاد آیه ۸۵ از سوره اعراف در قرآن مجید است که می‌گوید: «وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» اشیای مردم را از ارزش نیندازید؛ یعنی ارزش هرآنچه را که متعلق به انسان است به او بپردازید (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹: ۲۰۳).

۳. وجوب تعیین حقوق کارگر قبل از شروع کار: روایاتی بر وجوب تعیین میزان دست‌مزد کارگر قبل از به‌کارگیری وی دلالت می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۱۲؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۹؛ بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۴: ۷۴). فقهای امامیه با توجه به این احادیث مشخص بودن میزان اجرت را از شرایط صحت عقد اجاره دانسته‌اند (علامه حلی، بی‌تا، ج ۷: ۷۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۹۸؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۵۷۲؛ منتظری، بی‌تا، ج ۲: ۴۲۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴: ۶۴؛ جزیری، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۴۲).



۴. حق استفاده از تعطیلات و مرخصی: اصالت رشد و تعالی انسان از دید اسلام ایجاب می‌کند که هر فرد در عین کار برای تأمین زندگی، برای خودسازی معنوی نیز فرصت کافی داشته باشد. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که: «هرکسی که کارگری را به کار می‌گیرد اگر از حضور وی در نماز جمعه جلوگیری کند گناهکار است، ولی هرگاه به او اجازه شرکت در نماز دهد در ثوابش شریک خواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۰۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۸۹). براساس تعالیم اسلامی در هیچ کاری افراط و تفریط پسندیده نیست. از حضرت علی (ع) روایت شده است که: «لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۶۷: ۴۱۶).

۵. حق تأمین معاش در دوران بازنشستگی: صاحب کار وظیفه دارد معاش کارگر را در دوران ناتوانی از کار تأمین کند و اگر در تأمین معاش وی ناتوان باشد، دولت مکلف است این وظیفه را انجام دهد (جعفری تبریزی، همان: ۲۰۴). باید گفت اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد این حق در منابع و تألیفات فقهی سابقه چندانی ندارد، اما با مراجعه به کتاب‌های روایی به احادیثی برمی‌خوریم که به‌طور ضمنی بر این حق دلالت دارند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۶؛ صدر، ۱۴۱۷: ۶۶۹).

۶. امکان مشارکت کارگران در فعالیت‌های تولیدی: در فقه اسلامی قراردادهایی وجود دارد که در آن حاصل کار بین کارگر و کارفرما به نحو مشاع تقسیم می‌شود. قراردادهایی نظیر مضاربه، مساقات و مزارعه از این دست می‌باشند که در آن سود به‌دست آمده بین طرفین به نسبتی تقسیم می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۱۱؛ همو، ۱۴۱۳، ج ۵: ۳۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۲۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۰۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲۶: ۳۳۶).

فرهنگ کار و شأن کارگر از دیدگاه امام خمینی

آرای امام خمینی (ره) در این زمینه بیشتر در سخنرانی‌های ایشان مطرح شده است. بنابراین باید به صحیفه ایشان رجوع کرد. به‌طور کلی سخنان ایشان درباره کار و کارگر را می‌توان به این شرح تقسیم کرد:

الف) سریان کار در همه موجودات عالم و کارگر بودن همه موجودات

۱. «کار مثل جلوه حق تعالی می‌ماند که در تمام موجودات سرایت کرده است. همه موجودات، کار در آنها هست و با کار درست شده‌اند. همه ذرات وجود کارگرند؛ حتی



ذرات اتمی که در این عالم طبیعت هست، اینها کارگر هستند با هوشیاری. همه ذرات عالم فعال‌اند و هوشیارند؛ لکن ما گمان می‌کنیم که هوشیار نیستند: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَقْتَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ همه مُسَبِّحِ حق‌اند. همه کارگران حق هستند. همه مطیع حق تعالی» (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۷۲).

۲. «عالم موجود شده است از فعالیت خدا. اجزای عالم موجود شده است از فعالیت‌هایی که بعضی موجودات دارند. هیچ موجودی را شما نمی‌توانید سراغ کنید الا اینکه کارگر و کار در او موجود است و خودش کار است. کارگرها هم کارند، از کار پیدا شده‌اند... ذرات موجودات در عالم فعال هستند برای ایجاد همه موجوداتی که در این عالم است؛ حتی جمادات، حتی اشجار، همه زنده‌اند، همه کارگرند. کار احاطه دارد بر همه عوالم. از اول با کار عالم موجود شده است و کارگر مبدأ همه موجودات است» (همان: ۱۷۱).

ب) نقش مهم کارگران در پیشرفت ملت‌ها و جلوگیری از وابستگی

۱. «کارگران از ارزشمندترین طبقه‌ها و سودمندترین گروه‌ها در جامعه هستند. چرخ عظیم جوامع بشری با دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است. حیات یک ملت، مرهون کار و کارگر است» (همان، ج ۱۲: ۲۶۴).

۲. «اگر کشوری رو به رشد برود، با دست شما کارگران عزیز رو به رشد می‌رود و اگر کشوری رو به انحطاط برود، باز هم با شماست که رو به انحطاط می‌رود؛ با کار نکردن یا کم کار کردن یا علاقه به کار نداشتن است که رو به انحطاط می‌رود. کشور امروز از شماست، از کارگران است، کشور مال شماست» (همان، ج ۷: ۱۷۴).

۳. «امروز ارزش کار شما به همان اندازه است که دنیا پیشرفت کرده؛ امروز شما با کار خودتان می‌توانید که این وابستگی‌هایی که در طول تاریخ [بوده]، از آن وقتی که شرق و غرب به اینجا راه پیدا کردند و در طول سلطنت منحوس پهلوی پیدا کرده این کشور [ازین بربید] که می‌دانید همه چیزهایش وابسته شده است و همه افرادش را اینها وابسته کرده بودند و همه گروه‌ها را وابسته کرده بودند. امروز اگر شما کار نکنید و فعال در کار کردن باشید، ارزش [کار شما کارگران] این است که علاوه بر آن ارزش‌های معنوی و مادی که برای شخص خود شما دارد، علاوه بر این، کشور را شما نجات می‌دهید از وابستگی» (همان، ج ۱۶: ۲۳۶).



ج) اشارات ایشان به دیدگاه اسلام درباره کارگر

«رسول الله در آن محیط، دست کارگر را آن طور که نقل می‌کنند، کف دست کارگر و محل کار را بوسیده تا ارزش کار را در تاریخ عرضه کنند و ما مفتخریم و شما و همه مفتخرند به اینکه یک همچو نشانی پیغمبر اکرم (ص) به شما داده... یا در بعض روایات فرموده‌اند که قطره عرقی که از بدن کارگر می‌آید مثل قطره خونی است که از شهدای در راه خدا بیاید. چقدر این ارزش دارد» (همان، ج ۱۶: ۲۳۶).

«اسلام برای کارگر ارزش قائل است، برای کارگر و کار ارج قائل است و ارزش قائل است و احترام قائل است؛ یعنی همان طوری که یک شخص عالم، یک شخص مجاهد را توصیف می‌کند، شخص کارگر، زارع، هر کارگری را [توصیف می‌کند] می‌گوید همه‌شان مثل هم‌اند؛ مثل شانهای که این رده‌هایی که دارد، همه هم‌قد هستند، مثل هم هستند - آن‌شانهای آن وقت این‌طور بودند - اینها همین‌طور همه برابر هستند. در قرآن کریم هم خداوند تصریح می‌کند که امتیازها به این مسائلی که سرمایه داشتن، قدرت داشتن - نمی‌دانم - و امثال اینها نیست، ارزش‌ها و بزرگی‌ها به تقواست، به ارزش انسانی است» (همان: ۲۳۹).

د) مسئولیت حکومت اسلامی در قبال کارگران

با در نظر گرفتن تأکید و تشویق اسلام در زمینه کار و تجلیلی که شرع از مقام کارگر به عمل آورده، حکومت اسلامی موظف است همه امکانات لازم را در اختیار این گروه تولیدگر قرار دهد. امام خمینی (ره) با لقب دادن کارگران به «مدیران جامعه انسانیت» (همان، ج ۷: ۱۷۴) درباره رعایت حقوق آنها می‌فرماید: «و از امور مهمه‌ای که هست وضع کارگراست... آنها گمان نکنند که دولت یا ما در فکر آنها نیستیم... چنانچه راجع به مسکنشان مشغول طرح‌ریزی هستند که مسکن درست کنند و قضیه حقوقشان ان شاء الله داده می‌شود... کارگرهایی که در کار هستند، اگر در مزدشان و اجرتشان حرفی دارند، اصلاح خواهد شد. همه اینها به تدریج باید اصلاح بشود... دولت هم باید راجع به کارگرها بیشتر عنایت داشته باشد و وضع کارگرها را درست در نظر بگیرد. یک قدری عنایت بیشتر بکند که این کارگرها آسوده خاطر بشوند... از دولت می‌خواهم که در کارها یک قدری بیشتر جلو بروند و همین قدری که هست، یک قدری بیشتر جلو بروند و کارها

را زودتر درست بکنند» (همان، ج: ۶، ۳۹۷-۳۹۸).

ایشان همچنین درباره حقوق کارگران در حکومت اسلامی می‌گویند: «در حکومت عدل اسلامی به بهترین وجه به آنان رسیدگی شده و حق آنان ادا می‌گردد» (همان: ۳۸۰).

فرهنگ کار در آرای مقام معظم رهبری

ابتدا باید گفت مقام معظم رهبری همواره بر ارزش کار و ضرورت ترویج فرهنگ کار سالم تأکید کرده‌اند. نظرات ایشان با توجه به طول دوران پربرکت رهبری و زعامت بر جامعه اسلامی، بسیار تنوع دارد. از تأمل در سخنان ایشان درباره فرهنگ کار چنین برداشت می‌شود که دغدغه عمده ایشان، استقلال و بی‌نیازی کشور در عرصه تولید، از اجانب و استعمارگران بوده و تنها راه حل آن نیز ترویج فرهنگ اصیل کار اسلامی و لزوم شناخت، پاسداشت و تکریم جایگاه کارگران در جامعه اسلامی است. نگارنده پس از استخراج آرای ایشان در ما نحن فیه و دسته بندی آنها، گونه‌های کلام ایشان در باب فرهنگ کار و تجلیل از مقام کارگر را با توجه به بسامد آنان در سخنان معظم‌له، به این شرح سامان‌دهی کرده است.

۱. نقش کارگران در استقلال جامعه اسلامی و بی‌نیازی از قدرتهای استعمارگر

همان‌گونه که گذشت بیشترین تأکید مقام معظم رهبری بر روی ترویج فرهنگ کار در راستای تأمین استقلال کشور و رهایی از سلطه اقتصادی کشورهای استعمارگر بوده است. ایشان گره حل مشکل را عمدتاً به دست توانای کارگران امکان‌پذیر می‌دانند و در مقاطع و مناسبت‌های مختلف بر این امر تأکید کرده‌اند که در ذیل به برخی اشاره می‌شود:

۱. «یک شعار بزرگ انقلاب؛ یعنی استقلال ملت و کشور که دشمنان ما در دنیا با همین مخالفان بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت زحمتکشان این قشر و احساس حسنه در آنهاست. کارگر باید احساس کند که «من جاء بالحسنه فله عشر امثالها»؛ یعنی هر کس کار حسنه‌ای انجام بدهد، خدای متعال ده برابر به او اجر می‌دهد. این کار، همان حسنه است... هر کس که در جمهوری اسلامی مشغول کار است به معنای اعم کار: کار



فرهنگی، کار اقتصادی و کار خدماتی صحیح و مفید باید بداند که حسنه انجام می‌دهد و برای خدا کار می‌کند، پس عمرش به بیهودگی تلف نشده است. شما یک روز که کار کنید، یک روز در دیوان الهی ذخیره کرده‌اید، یک روز به ملت فایده بخشیده‌اید و یک روز به سیر تکاملی جامعه مدد رسانده‌اید. این، فرهنگ اسلام است» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۰/۲/۱۱).

۲. «یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه ما داریم می‌خوریم، این به خاطر غفلت‌ها بود» (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹).

۳. «در این میدان عظیم مبارزه جهادی و مبارزه اسلامی، کار یک مبارزه است. شما که کارگر هستید، در هر کارخانه، در هر مزرعه و یا در هر نقطه که مشغول کاری هستید، این کار، کشور شما را از دشمنان و بیگانگان بی‌نیاز و به آبادانی کشور و آسایش مردم کمک می‌کند. شما در حال مبارزه‌اید و این مبارزه بسیار مؤثری است. اگر در دوران جنگ، مبارزه کارگران در دستگاه‌های تولیدی و در صف تولید نبود، ما در جنگ وضع بدی پیدا می‌کردیم» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان و کارگران، ۱۳۷۱/۲/۹).

۴. «همان دولت‌هایی که دستشان با دزدان غارتگر بین‌المللی یکی است، متأسفانه بخش عمده‌ای از نفت را صاحب‌اند. امروز جنس به این ارزشمندی به منزله ابزاری در دست مصرف‌کنندگانی است که شدیداً به آن احتیاج دارند. آنها چنین سیاستی را از ده‌ها سال پیش تا به امروز، طراحی و اجرا کرده‌اند. در چنین وضعیتی اگر ملت ایران - اعم از کارگر ایرانی، جوان ایرانی، تولیدکننده ایرانی و معلم ایرانی - با همه تلاش و غیرت خود وارد عمل شود و این کشور را به گونه‌ای بسازد که به خاطر صادرات و واردات و نیازهای مصرفی، محتاج فروش نفت خود، آن هم با این قیمت پایین نباشد، ببینید چه خدمت بزرگی به امروز و آینده این کشور خواهد بود!... آن وقت، زندگی راحت، رفاه برای همه کس در همه جا، تسلط اقتصادی دشمن صفر، سرمایه‌های کشور محفوظ و آبرو و عظمت این کشور تأمین خواهد شد. ارزش و اهمیت کار دو قشر کارگر و معلم این گونه

معلوم می‌شود» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳/۲/۱۳۷۳).

۵. «آن کارگری که در کارخانه‌ای کار می‌کند یا طراحی و مدیریت و یا هرگونه تلاشی می‌کند، برای اینکه ایران اسلامی - که امروز عرصه جلوه‌های معنوی و الهی است - رشد و پیشرفت پیدا کند و آباد شود و از بیگانه‌ها بی‌نیاز گردد و نگران تحریم اقتصادی این قدرت و آن قدرت نباشد و استغنا پیدا کند، هر لحظه‌ای کار این کارگر یک حسنه انجام می‌دهد و یک عبادت می‌کند» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان کشور، ۱۲/۲/۱۳۷۵).

۶. «امروز کار فعالی که انجام می‌دهید بسیار مهم است چرا که کشور را از وابستگی نجات می‌دهید. پس شما کارگر عزیز توجه کنید علاوه‌بر اینکه کار، خودش عبادت و وظیفه و ثواب است، با این کاری که انجام می‌دهید، دو جهت دیگر برای تقرب الی الله وجود دارد: یکی انتفاع مردم و دیگری استغنای مردم از بیگانگان. پس قصد خدا کنید و بدانید که این کار شما و این حرکتی که انجام می‌دهید، با این نیت و قصد، شما را به خدا نزدیک می‌کند» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۹/۲/۱۳۷۷).

۲. ضرورت ترویج فرهنگ کار

۱. «هرچه بتوانید فرهنگ کار و تلاش و حضور در عرصه کار و سنگر کار را گسترش بدهید، خیلی خوب است؛ این به حرکت جامعه و نشاط جامعه کمک خواهد کرد» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی، ۱۶/۱/۱۳۸۹).
۲. «ایجاد فرهنگ کار و تلاش لله. شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهید؛ این می‌شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، در این جهاد سهیم باشید» (بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۸/۱/۱۳۹۰).
۳. «ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به‌عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور» (ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال، ۲۸/۴/۹۰).
۴. «در زمینه اقتصاد فعالیت‌های زیادی شده، با ارزش هم هست، اما مسئله اشتغال حل نشده است، مسئله تورم حل نشده است، مسئله فرهنگ کار حل نشده است، مسئله ساعات مفید کار حل نشده است. فرهنگ کار باید در کشور یک جوری باشد که مردم



کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کار کرد. با بیکاری و بی‌میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت» (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۹۰/۵/۱۶).

۵. «واقعاً ما برای کار در زمینه فرهنگ عمومی میدان بازی داریم. اگر ما بخواهیم توسعه اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم. مادامی که حتی محقق و جستجوگر علمی ما، آن فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار را، آن چنان که در یک فرهنگ سالم مطرح است که مظهر عالی‌اش هم فرهنگ اسلامی است نداشته باشد، وجود این محقق، بی‌فایده خواهد بود. ما چگونه می‌توانیم این روحیه را در بین محققان کشور و یا در محیط کار اداری زنده کنیم؟ در حالی که دیگران به کار شوق دارند و بیشتر سعی می‌کنند کار کنند ما چگونه می‌توانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرح‌های توسعه اقتصادی خودمان در نظر بگیریم؛ بدون اینکه فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس می‌بینید که به فرهنگ برگشت» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۹/۱۹).

۳. شأن ممتاز معنوی و مقام عظیم کارگران در جامعه اسلامی

۱. «از جنبه معنوی نیز کارگر باید احساس کند که بار سنگینی را بر دوش دارد. مسئولان و مردم باید شأن و اهمیت نقش او را درک کنند و بدانند که کارگر شأن معنوی و انسانی بالایی در جامعه دارد. در نظام ارزشی اسلام پول‌دار بودن اصلاً ارزش نیست؛ حتی بسیاری از خصوصیات نفسانی، جزو ارزش‌ها به حساب نمی‌آید، اما کارگر بودن - ولو برای خودش کار کند - یک ارزش است و اگر کار انجام شده، در پیشبرد زندگی جامعه مؤثر باشد، ارزش آن مضاعف خواهد شد. به همین خاطر، رسول اکرم (ص) دست کارگر را بوسید. دست کارگر بوسیدن، امتیاز مادی برای کارگر محسوب نمی‌شود، اما برای او یک امتیاز معنوی است زیرا شأن کارگر را در جامعه بالا می‌برد» (بیانات در مراسم بیعت کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۴/۵).

۲. «مردم باید قدر کار کارگر را بدانند. البته این را بدانید که خدا قدر می‌داند: «و سیری الله عملکم و رسوله»؛ خدا و پیامبر قدر می‌دانند؛ کرام‌الکاتبین قدر می‌داند. بدانید



که پیش خدا و در دیوان الهی، لحظه‌ای از لحظات رنجهای شما عزیزان من مغفول عنه نمی‌ماند. آن دقایق آخر کار که خسته هستید، اما به خاطر تکلیف قانونی و دینی‌ای که دارید، همان دقایق را هم با جدیت کار می‌کنید، آن را صاحب‌کار نمی‌فهمد، مدیر نمی‌فهمد، رئیس آن کارخانه یا آن مدرسه ممکن است نفهمد، اما خدای متعال آن لحظات را هم برای شما ثبت می‌کند. اینها ارزش است. خیال نکنید که اینها حواله به آینده است. البته حواله به آینده هم اگر قیامت باشد، خیلی مهم است. وقتی شب اول قبر باشد، همان آینده هم خیلی مهم است» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۸/۲/۱۵).

۳. «تجلیل از کارگر، تجلیل از کار است؛ کار بسیار مهم است. چقدر بیکاری به بشریت خسارت می‌زند؛ چه بیکاری بر اثر تنبلی و عدم همت شخص باشد، چه بر اثر این باشد که او قادر به کار نیست؛ چون کار وجود ندارد. پس کار یک ارزش و یک عبادت حقیقی است. عامل حقیقی و واقعی برای پیشرفت یک کشور، کار است. بنابراین، ما از کارگر تجلیل می‌کنیم تا از کار تجلیل شود. معلمان و کارگران، دو قشر بسیار مهم‌اند. نه اینکه قشرهای دیگر اهمیتی ندارند؛ چرا، هر مجموعه‌ای در درون خود، عناصر به وجود آورنده و زاینده و تشکیل‌دهنده دارد و همه در جای خود مهم‌اند، اما توجه به این دو قشر، مانع از این می‌شود که غفلت بزرگ و خسارت‌باری کشور و مردم را فراگیرد. چه کسی باید توجه کند؟ در درجه اول، مسئولان امر و در درجه دوم، همه آحاد مردم. قدر معلم را بدانند، قدر کارگر را بدانند؛ اینها ارزش است. معلمان و کارگران انسان‌هایی هستند که عمر خود را در کاری صرف می‌کنند که آن کار پیش خدای متعال گرمی و عزیز است» (بیانات در دیدار کارگران و معلمان، ۱۳۷۹/۲/۱۴).

۴. «اگر در یک کشوری جامعه عمومی آن کشور به کار با این چشم که کار عبادت است نگاه کنند، آن وقت وضع پیشرفت اقتصادی و علمی آن کشور به کجا خواهد رسید. این منطق اسلام است. لذا اگر ما نسبت به کارگر در هر سطحی احساس ارادت و محبت می‌کنیم، این گزاف نیست؛ این به خاطر آن است که پشت این احساس محبت و احترام، یک چنین فرهنگ عمیق و غنی اسلامی‌ای وجود دارد» (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۸۵/۲/۶).

۵. «عمل و کار در ادبیات قرآنی و اسلامی ما، یک رتبه والایی دارد... چه بهتر از اینکه انسان مشغول کسب و کاری است که درآمد زندگی او وابسته به آن است؛ درعین حال همین کار عمل صالحی است که در قرآن، عدل ایمان قرار داده شده است؛ «آمنوا و عملوا



الصّالحات»؟ ارزش کار که گفته می‌شود یعنی این. اینکه در جامعه اسلامی، مسئولان اسلامی، نسبت به کار، نسبت به کارگر اظهار تجلیل و تکریم می‌کنند، این لفاظی نیست؛ تعارف نیست. بله، در دنیا کسانی هستند که به زبان، سنگ کارگر را ممکن است به سینه بزنند، اما فرق است بین آن کسی که می‌خواهد شعار بدهد تا دل یک جمعیتی را به خود متوجه کند و آن کسی که حقیقتاً برای کار به‌عنوان عمل صالح، ارزش معنوی و الهی قائل است. منطق اسلام، این دومی است؛ یعنی کارگر در حال عبادت است؛ کار او عبادت است» (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷/۲/۴).

۴. ارزشمند بودن گونه‌های مختلف کار

«کار در اسلام عبادت است. اسلام از تنبلی و تن‌پروری و بیکارگی بیزار است. کار فقط پشت میز نشینی نیست؛ همه نوع کاری در وضع کنونی کشور مورد نیاز است. کارهای فکری هم کار است، کارهای جسمانی هم کار است، کارهای اداری هم کار است؛ کارهای گوناگون در بخش‌های مختلف کار است. دو طرف باید به طور جدی در این قضیه هماهنگ باشند: یک طرف، طرف مردم است - جوانان کشور ما با توانایی‌ها و استعدادهای گوناگون - یک طرف هم مسئولان و برنامه‌ریزان قرار دارند. میدان برای کار در کشور زیاد است. من به استان‌هایی که مسافرت می‌کنم و از نزدیک بعضی از مسائل آنها را از مسئولانی که با این مسائل مماس و مجاور هستند، پرس‌وجو می‌کنم، می‌بینم خوشبختانه زمینه و میدان کار و اشتغال مفید در کشور زیاد است. حتی برای جوان دانشجو یا دانش‌آموز در دوران تعطیلات تابستانی می‌شود کارهای موقت به‌وجود آورد» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۰/۱/۱).

۵. نقش کارگران در تداوم و تحکیم انقلاب

«شما کارگران باید توجه داشته باشید که ادامه حیات شرافتمندانه ملت عزیز ایران و حفظ و تداوم شعارها و مواضع با ارزش نظام جمهوری اسلامی در مقابل قلدرهای عالم و استکبار جهانی، با کار و تلاش شما میسر است. بایستی این کار را مخلصانه و دلسوزانه و خوب انجام دهید. البته باید مسئولان دولتی سعی کنند مواد اولیه را برای شما تأمین کنند، تا کارخانجات با همه ظرفیت و توان خود کار کنند و واحدهای تولیدی جدیدی



به وجود آید و نیروهای کار جذب این مراکز شوند. کارگرها باید این میدان را پیدا کنند که کار خودشان را در خدمت نظام و رونق و حرکت اقتصادی مردم قرار دهند و به بهترین وجه به تولید کالاهای با کیفیت پردازند. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «رحم الله امرأ عمل عملاً فأتقنه»؛ یعنی رحمت خدا بر آن آدمی که کار را با محکم کاری انجام دهد. شما باید کار خود را به بهترین وجه عرضه کنید. بدانید که تلاش شما پیش خدا محفوظ است. حال آن کارفرمای دولتی و غیردولتی، تلاش شما را درک بکند یا نکند و پاداش مناسب را بدهد یا ندهد. البته باید تلاش شما را درک کنند و متناسب با آن پاداش بدهند. نفس این محکم کاری، مطلوب خدای متعال است و ما باید این ارزش را در نظر داشته باشیم» (بیانات در مراسم بیعت کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۴/۵).

۶. نیاز مبرم کشور به کار مضاعف

۱. «من به کارگران سفارش می‌کنم که در هر بخشی و در هر جایی مشغول کار هستند کارگاه‌های بزرگ، کارگاه‌های کوچک، کارهای دستی، کارهای ماشینی عظیم، کارهای کشاورزی و روستایی این روزها را روز کار بدانند، این دوران را دوران کار جدی تلقی کنند و کار را هم عبادت بدانند. این کاری که شما برای توسعه و پیشرفت کشور می‌کنید، یک عبادت قطعی است» (بیانات در دیدار معلمان و کارگران، ۱۳۶۹/۲/۱۲).

۲. «به همه توصیه می‌کنم که کار را یک ارزش والا بدانند. امروز، حقیقتاً کار در هر جبهه‌ای که باشد، یک جهاد محسوب می‌شود» (پیام نوروزی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱/۱).

۷. بالا بردن کیفیت کار تولیدی؛ کلید حل مشکلات کشور

«در اسلام که کار، عبادت و ارزش شمرده شده است، لازمه‌اش این است که هر کس کاری را قبول کرد و تعهد نمود، آن را به بهترین وجهی انجام دهد. این حرف، سرِ کلاس درس و پای خط تولید و داخل مزرعه و پای چرخ خیاطی و کار داخل خانه هم هست... این آن چیزی است که کلید مشکلات کشور است. اگر شما فلان جنس را می‌خرید و به منزل می‌برید و مشاهده می‌کنید که بعد از مدت کوتاهی خراب شد و کاری که روی آن شده، کار درستی نبوده است یعنی بی‌اعتمادی به کاری که انجام می‌شود در صورت وجود وجدان کاری، این دیگر نخواهد افتاد. کسی فرزند خود را به مدرسه بفرستد



و نداند که او در مدرسه تبدیل به چه چیزی و چگونه عنصری خواهد شد؛ این دیگر نخواهد بود» (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۶/۲/۱۰).

۸. فرهنگ روابط کارگر و کارفرما

«نگاه اسلام این نیست. نگاه اسلام، نگاه همکاری است. اینها [کارگر و کارفرما] دو تا عنصرند؛ وقتی که با هم ترکیب شدند، کار به وجود می‌آید. برخلاف نگاه چپ و مارکسیستی که همه چیز را براساس تضاد می‌دانست - که بحمدالله از صفحه تفکرات فلسفی دنیا محو شد - نظر اسلام، نظر التیام است؛ نظر همکاری است. دو عنصر به جای اینکه با هم ضد باشند تا تولید یک موجود سومی را بکنند، با هم التیام پیدا می‌کنند تا موجود سومی به وجود بیاید. این، نگاه اسلام است؛ در مورد مسئله کارگر و کارفرما هم همین است؛ دو تا عنصرند، اینها باید دست‌ها را در دست هم بگذارند تا کار به وجود بیاید، تا تولید به وجود بیاید. کارگر بدون کارفرما کاری از او ساخته نیست، کارفرما هم بدون کارگر هیچ کاری نمی‌تواند بکند. این دو تا کنار هم که قرار گرفتند، یک رابطه سالم، اخلاقی و انسانی بین خودشان تعریف کردند، آن وقت فضا می‌شود فضای گسترش تولید» (بیانات در دیدار با هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۸).

نتیجه‌گیری

اسلام در ضمن قوانین و دستورالعمل‌هایی که برای سعادت و برقراری تعادل همه‌جانبه در زندگی انسان‌ها آورده، برای مسئله کار و کوشش نیز اهمیت فراوانی قائل شده است. در قرآن کریم و سیره اهل بیت نمونه‌های بسیاری وجود دارد که با نیکوترین بیان، اهمیت کار و کوشش و مفسد بیکاری و تن‌پروری بیان شده است.

امام خمینی (ره) نیز به تبع ائمه اهل بیت با معرفی ارزش کار در اسلام، حیات یک ملت را مرهون کار و کارگر دانسته‌اند. سخنان ایشان در این باره در سه محور خلاصه کرد: الف) سریان کار در همه موجودات عالم، ب) نقش مهم کارگران در جلوگیری از انحطاط و وابستگی، ج) اشارات ایشان به دیدگاه اسلام درباره کارگر.

در بیانات مقام معظم رهبری نیز توجه به قشر کارگر و اهمیت کار در اعتلای جامعه اسلامی بسیار محسوس است. ایشان با ژرف‌نگری خاصی در موارد متعددی به نقش



سازنده کارگران در رهایی از قیود استعمار و ضرورت ترویج فرهنگ کار در کشور در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و توسعه همه‌جانبه تأکید کرده‌اند.

با توجه به تأکیدات امام راحل و مقام معظم رهبری و با التفات به توصیه‌های اکید اسلام در زمینه نقش کلیدی کار در پیشرفت جامعه اسلامی، مسئولان امر باید با توجه به آموزه‌های اسلام و فرمایش‌های رهبران بزرگوار انقلاب، با انجام امور فرهنگی و تشویقی از قبیل آشناسازی جوانان به اهمیت کار در اسلام، بیان پاره‌ای از سیره و سخنان معصومان در این باب، افزودن و تدریس واحد درسی در دانشگاه‌ها با عنوان فرهنگ کار شایسته و ضرورت آن و تجلیل از مقام کارگر در اسلام و... به بُعد عملیاتی ترویج فرهنگ کار توجه ویژه‌ای نشان داده و با ایجاد زمینه‌های مساعد برای تأمین معاش قشر کارگر و قرار دادن امکانات لازم در اختیار ایشان، کوشش کنند تا این فرهنگ به نحو مطلوبی در جامعه نهادینه شود.

منابع

- قرآن کریم، با ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
- نهج‌البلاغه، فرمایشات امام امیرالمؤمنین (ع)، گردآورنده محمد سید رضی (۱۴۱۴). قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۹). *جامع أحادیث الشیعه*. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۸). *استفتائات*. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
- جرداق، جرج (۱۴۲۶). *الامام علی علیه السلام صوت العدالة الانسانیة*. قم: مرکز الطباعة والنشر لاهل البيت (ع).
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹). *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)*. بیروت: دارالثقلین.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۴۱۹). *رسائل فقهی*. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- حرّعاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی (علامه) حسن بن یوسف (بی‌تا). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی (محقق)، نجم‌الدین (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح الله موسوی (بی‌تا). *تحریر الوسيله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- (۱۳۸۶). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالعلم.



- روحانی، سید صادق (۱۴۱۲). **فقه الصادق علیه السلام**. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (ع).
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دارالفکر.
- سبحانی تبریزی (آیت الله) جعفر (۱۳۶۳). **فروع ابدیت**. قم: نشر دانش اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- (۱۴۱۰). **الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه**. قم: کتابفروشی داوری.
- صدر، (شهید) سید محمد باقر (۱۴۱۷). **اقتصادنا**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). **من لایحضره الفقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۷). **الخلاف**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۴۰۷). **تهذیب الأحکام**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- علوی، سید عادل (۱۴۲۱). **القول الرشید فی الاجتهاد و التقليد**. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- فاضل لنکرانی، محمد موحدی (۱۴۲۴). **تفصیل الشریعه - الإجاره**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی تا). **مفاتیح الشرائع**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **الکافی**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی دوم، محمد باقر (۱۴۱۰). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. بیروت: مؤسسه آل البيت.
- محمود، عبد الرحمان (۱۴۱۸). **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه**. بیروت: دارالعلم.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۷۶). **نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۵). **فرهنگ معین**. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (بی تا). **رساله استفتائات**. قم: نشر اندیشه اسلام.
- میک، رونالد (۱۳۵۸). **پژوهشی در نظریه ارزش کار**. ترجمه م. سوداگر. تهران: پازند.
- نجفی، محمد حسن (بی تا). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.